

بررسی مصادیق نفقه و چگونگی اعمال آن در قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۹۱

نوید سلیمانی^۱، محمد رضا مسعود زاده^{۲*}

^۱ گروه حقوق خصوصی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

چکیده

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی درصدد بررسی مصادیق نفقه در قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۹۱ انجام شده است. نتایج نشان داد که مصادیق نفقه عبارت است از تأمین هزینه‌های زندگی که شامل خانه اثاث خانه مسکن، طعام و خوراک دارو و درمان و خدمتکار در دو صورت (۱- مرض یا نقصان ۲- عادت زوجه) می‌باشد که از زمان عقد دائم بر عهده شوهر نمی‌باشد. درواقع نفقه یک نوع وعده مالی است و حکم به نفقه یک حکم شرعی است درباره میزان و حدود آن ضابطه خاصی وجود ندارد بلکه به شئونات خانوادگی عرف و عادت ساکنان هر منطقه و وضع مالی مردم آن محل توجه می‌کنیم. از شرایط وجوب نفقه ۱- عقد دائم ۲- تمکین می‌باشد که مراد از تمکین این است که زن در اطاعت شوهر و ادای وظایف زوجیت حسن معاشرت و سکونت در منزل شوهر است نفقه در متعه صورت واجب نمی‌گیرد اینک شرط شده باشد. نفقه درباره زنی که مطلقه شده نیز تعلق می‌گیرد البته در طلاق رجعی در زمان عده واجب است اما در طلاق بائن فقط به شرط بارداری بودن نفقه صورت می‌گیرد زنی هم که شوهرش وفات نموده به‌طورکلی بیان شده نفقه ندارد چه حامل باشد یا نه زوجین در برابر یکدیگر حقوق و وظایفی دارند که انجام ندادن و رعایت نکردن این حقوق باعث نشوز می‌شود. زنی که در برابر شوهر اطاعت نمی‌کند ناشزه محسوب می‌شود و این امر خود موجب سقوط نفقه می‌گردد و چنانچه مردی از پرداخت نفقه به زوجه‌اش خودداری نماید به هر دلیلی می‌تواند برای مطالبه آن به دادگاه رفته و دادخواست نفقه خویش را نماید. خانواده‌ها که اصلی‌ترین رکن اجتماع و جامعه را تشکیل می‌دهند با آگاهی یافتن از موضوعات فقهی و حقوقی پیرامون زندگی از جمله نفقه می‌توانند به استحکام و بنیان خانواده کمک نمایند. شاید بسیاری از مشکلات که امروزه در محیط دادگاه‌ها و دادرها مشاهده می‌کنیم که در مواردی هم باعث طلاق و ازهم‌گسیختگی بنیان خانواده‌ها و صدمات اجتماعی به خانواده‌ها می‌شود نشأت گرفته از عدم آگاهی زوجین در قبال یکدیگر و دور ماندن از بسیاری ارزش‌های اسلامی که در قالب قوانین فقهی و حقوقی بیان شده می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مصادیق نفقه، حق حبس، نشوز زوجه، عدم تمکین

۱. مقدمه

استحکام نظام خانواده با حقوق و وظایف متقابل طرفین عقد نکاح ارتباط مستقیم دارد و نظام حقوقی اسلام در احکام فقهی خود این حقوق را مورد توجه خاص قرار داده است. حق نفقه زوجه از جمله حقوقی است که قرآن به دلیل اهمیت ویژه ای که برای زن قائل است، آن را مانند سایر احکام کلی و مسائل اساسی و اعتقادی اسلام در زمره نصوصی قرار داده است که از زبان وحی مطرح می‌شود. صراحت این آیات به حدی است که مذاهب گوناگون اسلام در مسائل متعددی بحث و اختلاف نظر دارند، در حق نفقه و بسیاری از مصادیق آن دچار اختلاف نشده‌اند.

مؤید آیات، نیز روایات صریحی است که مصادیق نفقه را ذکر می‌کنند و فقها در این موارد دارای اتفاق نظرند. تنها اختلاف نظر فقها به اقتضای شرایط در زمانهای مختلف است که زن بدانها نیازمند است و به صراحت در روایات مذکور نیست. فقهای شیعه غالباً حقوق مالی و تأمین نیازهای زن را متناسب با شرایط خاص او را بیان می‌دارند، البته باید توجه داشت که رابطه زوجین محدود به حقوق و تکالیف مادی نیست و بسیاری از حقوق و تکالیف جنبه روحانی و معنوی دارد و از آنها به عنوان حقوق معنوی زوجین تعبیر می‌شود و مانند حقوق و تکالیف مادی لازم الاجراست. برای اینکه بدانیم جرم ترک انفاق چه زمانی به وقوع پیوسته است باید دانست نفقه شامل چه مواردی می‌گردد که عدم ایفای آن موارد از جانب فرد، باعث ارتکاب چنین جرمی می‌شود. برای بررسی این مساله باید قایل به تفکیک شد. از آنجا که نفقه زوجه و اقارب دارای ویژگی خاصی است، باید دید الزام فرد به انفاق زوجه محدود به چه مواردی بوده و آیا همین الزام در مورد نفقه اقارب نیز وجود دارد یا خیر؟

در قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۹۱ ماده ۲۹ در بردارنده موضوع مورد بحث پژوهش حاضر می‌باشد این ماده اشعار می‌دارد دادگاه ضمن رأی خود با توجه به شروط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج، تکلیف جهیزیه، مهریه و نفقه زوجه، اطفال و حمل را معین و همچنین اجرت المثل ایام زوجیت طرفین مطابق تبصره ماده (۳۳۶) قانون مدنی تعیین و در مورد چگونگی حضانت و نگهداری اطفال و نحوه پرداخت هزینه‌های حضانت و نگهداری تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند (صفایی، ۱۳۸۵، ۱۵۴). همچنین دادگاه باید با توجه به وابستگی عاطفی و مصلحت طفل، ترتیب، زمان و مکان ملاقات وی با پدر و مادر و سایر بستگان را تعیین کند. ثبت طلاق موکول به تأدیه حقوق مالی زوجه است. طلاق در صورت رضایت زوجه یا صدور حکم قطعی دایر بر اعسار زوج یا تقسیط محکوم به نیز ثبت می‌شود. در هر حال، هرگاه زن بدون دریافت حقوق مذکور به ثبت طلاق رضایت دهد می‌تواند پس از ثبت طلاق برای دریافت این حقوق از طریق اجرای احکام دادگستری مطابق مقررات مربوط اقدام کند. در خصوص نفقه زوجه، ماده ۱۱۰۷ ق.م.ایران، حدود الزام زوج به پرداخت نفقه را چنین بیان می‌دارد:

نفقه عبارت است از مسکن، البسه، غذا و اثاث البیت که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا. با توجه به این ماده، هرگاه زن در خانه مردی خادمی داشته یا به واسطه موردی، احتیاج به کمک و خادم داشته باشد، مرد مکلف است که تامین خادم نماید. در قانون برای نفقه‌ی زن ضمانت اجراهای مدنی و کیفری نیز وجود دارد که در این پژوهش به بررسی این موارد نیز می‌پردازیم.

سؤالی که در این جا مطرح می‌گردد این است که آیا زن می‌تواند خود خدمت کند و از شوهر مطالبه اجرت خادم را بنماید؟ در جواب باید گفت: خیر، زیرا اگر زن محتاج به خادم باشد، فرد مکلف به تامین آن است اما هر گاه زوجه، خود بتواند از عهده کارهای خویش برآید دیگر نیازی به خادم ندارد. در ماده ۱۱۰۷ ق.م. مصادیق و مواردی از نفقه بیان شده؛ اما همان طوری که حقوقدانان معتقدند: موارد مذکور در ماده فوق جنبه حصری ندارد بنابراین هزینه دارو، درمان و بسیاری از چیزهای دیگر که جزء لوازم معاش متعارف است و شامل نفقه می‌شود. با توجه به مباحث مطرحه در این پژوهش حال سوال اساسی پژوهش حاضر این است که مصادیق نفقه زن در قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱ چیست؟ و چگونگی اعمال آن در این قانون نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد، همچنین در حقوق ایران ضمانت اجراهای مدنی و حقوقی و کیفری برای نفقه قرار دارد که به بررسی آنها نیز خواهیم پرداخت.

۲. ضرورت‌های تحقیق

بی شک عشق و علاقه و پیوند عاطفی میان زن و شوهر زیربنای پیوند زناشویی است که آن را از سایر قراردادهای اجتماعی متمایز می‌کند. اما در عین حال این احساس و تمایل گاهی شرایطی ایجاد می‌کند که ممکن است باعث غلبه احساس بر عقل شود و سایر شرایط لازم برای یک پیوند زناشویی موفق را تحت الشعاع قرار دهد و نگذارد زن و مرد به درستی و با در نظر گرفتن کلیه خصوصیات روحی و جسمی و اقتصادی خود و همسر آینده و حدود و حقوق زن و شوهر در عقد ازدواج، به پیوند زناشویی موفقیت‌آمیزی تن دهند که بی‌تردید عواقب آن نه تنها گریبان زن و شوهر را خواهد گرفت، بلکه پی‌آمدهای آن برای هر دو خانواده بسیار نامطلوب خواهد بود. بنابراین آگاهی زن و مرد به حقوق و قوانین حاکم بر ازدواج، تعهدات مادی و معنوی آنها را مشخص خواهد کرد. نفقه همسر امری است که بعد از عقد و ازدواج و پس از حضور زن در خانه شوهر مطرح می‌شود و پی‌آمدهای مالی و حقوقی دارد که مرد باید از آن مطلع باشد، و این امر انجام پژوهش حاضر را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

۳. تعریف حقوقی نفقه

قانون مدنی تعریفی از نفقه ارائه نکرده است. بلکه فقط در ماده ۱۱۰۷ ق.م. مصادیق نفقه را به عنوان نمونه این گونه بیان نموده است: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا». اما در دکترین حقوق، تعاریف چندی ارائه شده است. بعضی معتقدند: «چیزی که برای گذران زندگی لازم و مورد نیاز باشد» (صفایی و امامی^۱، ۱۳۷۴: ص ۳۹۳). برخی دیگر در تعریف جامع تری چنین آوردند: «نفقه تمام وسایلی است که زن، با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود، بدان نیازمند است» (کاتوزیان^۲، ۱۳۷۸: ص ۱۸۷). به نظر می‌رسد، اگر عبارت «به طور متعارف» یا «عرف آن را به رسمیت بشناسد» به تعریف اخیر اضافه شود، این تعریف دقیق‌تر خواهد بود. زیرا همانند موردی که زن به علت وضع جسمی نیازمند هزینه غیر متعارفی باشد، همان طور که برخی فقها^۳ ادعا کرده‌اند، دیگر نمی‌توان آن را جزء نفقه محسوب نمود. (خمینی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۲۸۳).

۴. اقسام نفقه

نفقه معنای مطلقی دارد که شامل انفاق بر زوجه، اولاد و نزدیکان می‌شود. در فقه و حقوق اسلامی بر اساس ماهیت و احکام متفاوت، دو نوع نفقه وجود دارد:
الف) نفقه زوجه: انفاقی که شوهر باید به همسر خود بپردازد.
ب) نفقه اقارب: انفاقی که شخص در حالت نیازمندی والدین و فرزندان باید هزینه کند. در این نوشتار به بررسی ماهیت، آثار، ویژگی و ضمانت اجرای نفقه زوجه پرداخته می‌شود و رابطه آن را با تمکین و ریاست شوهر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵. نفقه از دیدگاه قرآن

آیات متعددی در باب نفقه وارد شده است که در دلالت این آیات بر اصل نفقه و تکلیف آن بر مرد جای هیچ تردیدی نیست. - «علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف» (بقره، ۲۳۳). بر صاحب فرزند لازم است که خوراک و لباس مادر را به طور متعارف بپردازد.

^۱ صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله: «حقوق خانواده»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ چهارم، ۱۳۷۴.

^۲ کاتوزیان، ناصر: «حقوق مدنی خانواده»، تهران، بهمن برنا، چ پنجم، ۱۳۷۸.

^۳ «الظاهر انه ليس منه الدواء و ما يصرف في المعالجات الصعبة التي يكون الاحتياج اليها من باب الاتفاق خصوصاً اذا احتاج الى بذل مال خطير».

- «لینفق ذوسعة من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق مما آتاه الله» (طلاق، ۷). در این آیه میزان انفاق، به توان انفاق کننده مقید شده و می فرماید: آنان که توانگر هستند به اندازه ی توانگری خودشان و آنان که تنگدستند از آنچه که خداوند به آنها داده، انفاق نمایند.

- «عاشروهن بالمعروف» (بقره، ۱۹). با آنها به طور شایسته و پسندیده معاشرت نمایید.

- «فامساک بالمعروف او تسریح باحسان». (بقره، ۲۲۹) یا آنها (زنان) را به طور متعارف و شایسته نگهداری کنید یا با نیکی و احسان آنها رها نمایید.

- «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم» (نساء، ۳۴) مردان سرپرست و خدمتگذار زنان هستند، به خاطر برتری هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند. آیه اخیر دلالت روشنی بر تکلیف مردان نسبت به پرداخت نفقه برای زنان دارد و همچنین بیان کننده مبنا و حکمت این حکم می باشد. از این رو لازم است مورد بحث قرار گیرد. خداوند متعال در آیه فوق یک تکلیف را در مقابل یک حق قرار داده است. حق، همان ریاست بر خانواده و تکلیف، دادن نفقه به همسر و فرزندان می باشد، این حق به دلیل برتری های طبیعی جنس مرد به وی سپرده شده است. آیه فوق بعد از این که اصل سرپرستی و ریاست شوهر را بیان می کند به حکمت این حق اشاره نموده و می فرماید: «بما فضل الله بعضهم علی بعض»، (نساء، ۳۴) «این سرپرستی به خاطر تفاوت هایی است که خداوند از نظر آفرینش روی مصلحت نوع بشر میان آنها قرار داده و بلافاصله در مقابل چنین حقی، تکلیفی را به عهده شوهر قرار می دهد و می فرماید: «و بما انفقوا من اموالهم»، این سرپرستی به خاطر تعهداتی است که مردان در مورد انفاق کردن و پرداخت های مالی در برابر زنان و خانواده به عهده دارند» (مکارم شیرازی^۱، ۱۳۶۶: ج ۳، ص ۳۷۱). البته برتری جنس مرد بر زن در ریاست خانواده، از جهت انسانی و اجتماعی مرد نیست، بلکه بر اساس مصلحت اجتماعی و از باب خاصیت های طبیعی و فطری مردان است. قرآن کریم هیچ نقشی برای جنسیت در برتری و کرامت انسانی قائل نشده و فقط تقوی را تنها ملاک برتری انسان نسبت به دیگران می داند^۲ (حجرات، ۱۳). علامه طباطبائی در این رابطه می فرماید: «خداوند متعال در کتاب کریمش بیان کرده که مردم همگی و بدون استثنا چه مردان و چه زنان شاخه هایی از یک تنه درختند و اجزا و ابعاضی هستند برای طبیعت واحده بشریت و مجتمع انسانی در تشکیل یافتن محتاج به همه این اجزا است. همان مقدار که محتاج جنس مردان است؛ محتاج جنس زنان نیز است؛ همچنان که فرمود: «بعضکم من بعض» این حکم عمومی، منافات با این معنا ندارد که هر یک از هر دو طایفه زن و مرد خصلتی مختص به خود داشته باشند؛ مثلاً نوع مردان دارای شدت و قوت و نوع زنان دارای رقت و عاطفه هستند. چون طبیعت انسانیت در حیات تکوینی و اجتماعی نیازمند به ابراز شدت، اظهار قدرت، مودت و رحمت است... این دو خصلت دو مظهر از مظاهر جذب و دفع عمومی در مجتمع بشری می باشد. روی این حساب دو طایفه مرد و زن از نظر وزن و اثر وجودی با هم متعادلند... پس این حکمی است که از ذوق مجتمع سالم و دور از افراط و تفریط منبث می شود. از ذوق مجتمعی که طبق سنت فطرت تشکیل شده و عمل می کند و از آن منحرف نمی شود... لذا همه این تفاوت ها خصوصیات احکامی است که متوجه طبقات و اشخاصی از مجتمع می شود و علتش اختلافی است که در وزن اجتماعی آنان است؛ در حالی که همه در داشتن وزن انسانی و اجتماعی شریک هستند» (طباطبائی، ۱۳۶۳: ج ۴، صص ۴۰۶-۴۰۵). همچنین در تفسیر دیگری آمده است: «قرآن در این جا تصریح می کند که مقام سرپرستی باید به مرد داده شود (اشتباه نشود منظور از این تعبیر استبداد و اجحاف و تعدی نیست بلکه منظور رهبری واحد منظم باتوجه به مسؤلیت ها و مشورت های لازم است)... و این موقعیت به خاطر وجود خصوصیات در مرد است» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶: ص ۳۷۰).

^۱ مکارم شیرازی، ناصر و دیگران: «تفسیر نمونه»، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۶.

^۲ «ان اکرمکم عندالله اتقاکم».

از این رو ریاست شوهر یک تحکم یا برخلاف اعتقاد بعضی^۱ اختیار مالکانه نیست، بلکه به نظر برخی از مترجمین قرآن کریم مثل «شعرانی» کلمه «قومون» را به کارگزاران یا فرمانروایان تعبیر نموده اند؛ یا به تعبیر یکی از حقوقدانان عرب زبان، ریاست شوهر یک سلطه حکیمانه اداری است و استبدادی نیست (زحیلی، ۱۴۲۰ق: ص ۸۲). از این رو زنان تا آن حد مؤظف به اطاعت از شوهر هستند که مربوط به حقوق همسران است و هرگز مردان حق دخالت در اموال و درآمدهای اقتصادی آنان را ندارند.

۶. حدود و مصادیق نفقه در فقه

شیوه زندگی بشر در طول تاریخ دستخوش تحول بوده و هر روز ابزارهای قدیمی تبدیل به ابزار جدید می شود و لوازمی که در گذشته وجود نداشت در حال حاضر جزء لوازم ضروری و لاینفک زندگی شناخته شده است. بر همین اساس شرع مصادیق نفقه را تعیین نکرده است و تمام آیات مربوط به انفاق، وجوب نفقه را به طور مطلق به عرف ارجاع داده و روایات مربوطه هم به امور متعارف اشاره می کند. از این رو «آنچه که عرف، آن را به عنوان نفقه و هزینه زندگی بشناسد، پرداخت آن بر شوهر واجب است» (مومن سبزواری، بی تا، ص ۱۹۵؛ محمد جواد، ۱۴۰۴ق: ص ۳۹۳). به همین دلیل فقها در اعصار مختلف و مکان های متفاوت نظریات متفاوتی را ابراز نموده اند، برخی چون علامه در تحریر الاحکام شش مصداق، (حلی، بی تا، ج ۲، ص ۴۷؛ ابن قدامه، ۱۴۰۴ق: ج ۹، ص ۲۳۶) بعضی هشت مصداق (نجفی، ۱۳۶۶: ج ۳۱، ص ۳۳۱) و گروهی کمتر و بیشتر را متعرض شده اند. صاحب جواهر در این مورد می فرماید:

«روشن است که کلمات فقها (در مصادیق نفقه) دارای تشویش و اضطراب است و بهتر آن بود که همه اینها را به عرف و عادت ارجاع می دادند و علی الظاهر آنها از بعضی کتاب های اهل سنت تبعیت نمودند که قضات دادگاه ها در مقام قضاوت به آنها می پرداختند. زیرا بدیهی است که اگر ملاک در نفقه، تمام مایحتاج زن باشد. استثنا کردن دارو، عطر، سرمه، هزینه حمام و حجامت وجهی ندارد لذا اگر ملاک، زندگی متعارف باشد و نفقه هم به طور مطلق وارد شده باشد، در نتیجه باید قائل به وجوب همه این ها شد، حتی غیر این موارد که قابل حصر نیست. پس نظر صحیح آن است که همه این موارد با در نظر گرفتن حال زن، زمان، مکان و غیره، به عرف و عادت ارجاع شود؛ که مردان به زنانشان از حیث زوجیت انفاق می کنند و فرقی هم بین موارد مذکور و غیر مذکور در آیات و روایات نیست» (همان، صص ۳۳۷-۳۳۶). بدین جهت شگفت آور خواندن فتوای برخی از فقها (قمی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۴۴۱) در عدم احتساب اجرت حمام به عنوان نفقه مگر در صورت ضرورت توسط یکی از حقوق دانان قابل انتقاد است (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ص ۱۸۷). زیرا همانطور که خود مستشکل معتقد است، عدم احتساب اجرت حمام در آن زمان قابل توجیه است؛ به جهت آنکه حمام در آن زمان امر غیرمتعارف و مختص به طبقه خاصی بوده و خود میرزا قمی نیز در همان کتاب می فرماید: «مشهور بین علما این است که حدی بر آن (نفقه) نیست و موکول به عرف و عادت است». (قمی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۴۸۷).

همان طور که بعضی از فقهای معاصر هم معتقدند: هزینه حمام چه برای غسل کردن یا برای نظافت کردن باشد اگر حمام کردن در خانه متعارف نیست یا به جهت سرما و عذری نمی تواند در خانه حمام کند؛ اجرت و هزینه حمام جزء مصادیق نفقه است (خمینی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۲۸۳، مسأله ۹) لذا هزینه حمام مشروط به آنکه حمام کردن در خانه متعارف نباشد؛ جزء هزینه های متعارف محسوب می شود و شاید در حال حاضر حمام جزء لاینفک مسکن باشد و حتی امروزه هم در بسیاری از کشورها چنین مخارجی متعارف نیست، لذا عدم هزینه برای چنین زنی وهن وی نیست. بنابراین نفقه یک امر کاملاً عرفی است که زمان و مکان و وضعیت اجتماعی و مسائل دیگر در آن مؤثر می باشد.

۷. کمیت و کیفیت مصادیق نفقه زوجه

^۱ . مهرانگیز منوچهریان، می گوید: «قانون مدنی ما از یک سوی مرد را وا میدارد که به زن خود نفقه بدهد؛ یعنی جامه، خوراک و مسکن وی را آماده کند، همچنان که مالک اسب و استر باید برای آنان خوراک و مسکن فراهم آورد مالک زن نیز باید این حداقل زندگی را در دسترس او بگذارد.» به نقل از مطهری، ۱۳۷۴: ص ۲۵۸.

نفقه را از دو لحاظ می توان بررسی نمود. یکی از لحاظ کیفیت که همان معیار عرف است آنچه که متعلق به زوجه قرار میگیرد مثل (غذا - لباس و پوشاک) و یکی از لحاظ کمیت که مراد چه حدی باید در نظر گرفت که مقدار و کمیتش اندازه خاصی ندارد بلکه ملاک را عرف زمان و مکان و شأنیت زن قرار داده اند.

۷-۱. طعام

آن چیزی که انسان با آن شکمش را سیر نماید و معیار کیفیت چیزی که امثال آن در شهرش یا مکانش متعارف باشد و سازگار به مزاج او و وضعیت اجتماعی او باشد در ضمن عادت زوجه ی خویش را در نظر بگیرد مثلا: اگر عادت به گوشت داشته باشد واجب است آن را برایش معیا نماید یا آن چیزی که عادت داشته که اگر نخورد صدمه می بیند واجب است تهیه نماید مثل چای، قهوه و امثال آن^۱.

کیفیت پرداخت نفقه طعام به دو صورت انجام می گیرد:

۱- پول یا مواد خام غذایی را در اختیار زوجه قرار دهد تا هر چه بخواهد با آن درست کند در این صورت مرد حق ندارد که زن خویش را ملزم به این کند که حتما با او غذا بخورد و اگر زن بخواهد خرجش را بدستش دهد تا آن هر چه بخواهد بکند تکلیف مرد بر آن است که هر گونه زن مایل است نفقه اش را بپردازد.

۲- یا عین مواد پخته شده را می دهد مثل خرما، نان و ...

پس اگر چنانچه مواد غذایی که در اختیار همسر خویش قرار می دهد مواد خام باشد باید هزینه و وسایل آماده شدن آن مثل: مواد سوختی، نفت و گاز ... را در اختیار همسرش قرار دهد.

حتی زوجه می تواند مثل دیگر نان خورهای زوج (مادر، خواهر ...) برسریک سفره بنشیند و یا این که جدا که (مراد خود و همسرش) باشد که در این صورت نیز مرد حق ندارد همسرش را مجبور نماید.

نکته حائز اهمیت در پرداخت نفقه در زمینه طعام آن است که از لحاظ کمیت و کیفیت به عرف و شأنیت زوجه ملاک قرار می دهیم^۲.

۷-۲. پوشاک

در زمینه پوشاک دو نوع پوشش رادر نظر می گیریم یکی همان پوشش ظاهر از قبیل لباس و جامعه که فرد تن را با آن می پوشاند و دیگری فرش و رختخواب در واقع آن چیزهایی که خانه را با آن می پوشانند.

در زمینه جامه و تن پوش تنها حقی که زن به گردن مرد دارد آن است که او را بپوشاند حال یا لباسی که صاحب او مالک شوهر است یا آن را اجاره کرده است^۳.

از لحاظ کیفیت پوشش به پوشش زنان آن شهر یا محل نگاه میکنیم یعنی تکلیف مرد در لباس چه استیجاری یا استعاری آن را تامین می نماید و متناسب با فصل و موقعیت اجتماعی زن باشد برای مثال (عرف جامعه) اقتضاء می نماید که زنان لباس های متعدد برای منزل و مهمانی و امثال آن داشته باشد شوهر باید آنرا برای زن مهیا نماید.

چنانچه زن از خانواده و کسانی که اهل تجمل هستند باشد جامه ای جهت غیر خانه او لازم است و در زمستان نیز زیادتی جامه برای رفع سرما لازم است مثل پنبه دار یا پشم دار برای بیداری و لحاف برای زمان خواب.

چنانچه مرد در دادن پوشاک به همسر خویش کوتاهی نماید مدتی که آن چیزی را که زوجه به آن نیازمند بوده است نداده باشد باید قضای آن را به جا آورد^۱.

۱. تحریر الوسیله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی همان، ص ۱۱۶ و جامع عباسی، ص ۳۰۸ و ۳۰۷ و همین مطلب در حقوق خانواده ج ۴ ص ۴۳۵ ذکر شده است.

۱. تحریر الوسیله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی همان، ص ۱۱۹-۱۱۶

۲. همان ص ۱۱۸

کیفیت استفاده زوجه: اگر مرد لباسی برای همسر خویش تهیه نماید و بعد کمتر از آن مدت که باید زوجه استفاده نماید به سرقت برود بر مرد واجب است لباسی دیگر بخرد اما اگر سالم بماند یا نو باشد و زوجه تقاضای لباسی دیگر نماید یا کمتر از آن مدت کهنه و مندرس نماید تکلیف مرد آن است که نیازی نیست بدل از آن تهیه نماید. مگر در یک صورت آن هم زمانی که بدون تقصیر زوجه باشد که در این صورت خرید لباس نو برای پوشش زوجه لازم و واجب است و بر ذمه مرد ثابت است.^۲

نوع دیگر پوشش فرش و وسایل رختخواب می باشد در این زمینه زوجه حق دارد که برایش فرش تهیه شود که به وسیله آن زمین را بپوشاند و آنچه را که برای خواب مانند لحاف و تشک و بالش لازم دارد و حق استفاده و انتفاع از آن را دارد و در این زمینه نیز زوجه باید تا جایی که مورد استفاده باشد استفاده نماید.

۳-۷. مسکن

از دیگر اجزای نفقه مسکن زوجه می باشد همان سرپناهی که در آن سکونت داشته باشند و مایه آرامش و امنیت خانواده باشد. درباره کیفیت مسکن به امثال او در آن مکان نگاه می کنیم و خانه به گونه ای باید باشد که نیازمندیهای زوجه را برطرف نماید و متناسب با شأنیت زوجه (مراد از کدام طبقه) باشد مثلاً: اگر از چادر نشینان باشد کوخ یا خیمه موئی جدا و متناسب به حال او را کفایتش می کند^۳ (در ماده ۱۱۱۴ ق و م به مسکن زوجه پرداخته است)

زن باید در منزلی که شوهر تهیه و تعیین می کند سکونت نماید نگر آنکه اختیار تعیین مسکن به زن داده شده باشد^۴. چنانچه زوجه از زوج خویش در خواست خانه جدا نماید که جز او و همسرش کسی در آن سکنی نگزیند (مثل خانواده شوهر) بر مرد واجب است که آن را تهیه نماید البته در حد توانایی و وسع خویش حال چه خانه درست باشد یا اطاقی بیش نباشد یا اجاره ای یا عاریه کند بر حسب وسع خویش موظف به تهیه منزل جدا برای همسرش می باشد^۵.

ماده ۱۱۱۵ ق. م به این امر اشاره نموده است

اگر بودن زن و شوهر در یک منزل متضمن خوف و ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می تواند مسکن علیحده اختیار نماید^۶.

تا زمانی که زن در باز گشتن به منزل مزبور معذور است نفقه برعهده شوهر خواهد بود.

در این ماده و ۱۱۱۵ ق. م از سه خوف بیان شده است:

- ۱- ضرر جانی: مانند آنکه زن از ضرب و جرح شوهر یا کسان او خائف باشد
- ۲- ضرر مالی: مانند آنکه زن خائف باشد زوج یا کسان او اموال او را بربوبیند
- ۳- ضرر شرافتی: مانند آنکه زوجه به علت معاشرت و رفت و آمد دوستان ناباب زوج به منزل مسکونی او از شرافت و آبروی خویش خائف باشد^۷.

در اصل، اختیار سکونت و مسکن با زوج است مگر اینکه در ضمن عقد شرط کرده باشد که اختیار مسکن با زوجه باشد که در این صورت تکلیف مرد براساس نیاز زن و آنجایی که او اصلاح بداند در نظر گرفته می شود که در سوال زیر به این امر اشاره شده است.

۳. ترجمه شرایع السلام ص ۷۲ و ۲۶ و ۲۵ جامع عباسی، صص ۳۰۸ و ۳۰۷، امامی، حسن، همان، ج ۴ ص ۴۳۵ میر داماد، همان، ص ۲۹۳
 ۱. تحریر الوسیله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، همان، ص ۱۱۸ و همین مطلب در کتاب ترجمه شرایع السلام ص ۷۲۸ آمده است.
 ۲. همان، ص ۱۱۷
 ۳. محقق میرداماد، همان، ص ۳۱۰
 ۱. تحریر الوسیله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، همان، ص ۱۱۷ و رساله نوین، ج ۳، ص ۱۱۲ بیان شده است
 ۲. محقق میرداماد، همان، ص ۲۱۲
 ۳. همان صص ۳۱۳ و ۳۱۲

زنی که در ضمن عقد شرط کرده باشد که حق مکان را داشته باشد و اکنون شوهر آن زن قدرت اینکه در آن شهریکه زن می خواهد زندگی کند ندارد و باید به روستا برود و سکونت نماید و هیچگونه قدرتی ندارد که مطابق میل عیالش زندگی نماید در این صورت حق نفقه و سکونت تا چه اندازه ای است؟
جواب: شوهر باید برطبق شرط عمل کند و زن را در مکان مورد نظر بگذارد و مخارج و نفقه زوجه برهمسرش واجب می شود.^۱ از لحاظ کمیت نیز ازناحیه شرع و حقوق مقدار مشخصی بیان نشده بلکه ملاک مثل دیگر اجزاء نفقه عرف و شائیت زوجه و امثال او در آن محل یا شهر ملاک است.

۴-۷. خدمتکار

در تعریف خادم بیان شده که او کسی است که در اثر کار خودوسایل زندگی را آماده ودر دسترس زوجه قرار می دهد از قبیل: نوکر، کلفت، آشپز و امثال این ها که در منزل بکار می پردازد.
دادن خدمتکار در صورتی است که از خانواده با جاه و جلال و با حشمت باشد و در غیر این صورت زن خودش باید به انجام امور وظایف خانه داری برسند و در این زمینه نیز به عرف و جامعه نگاه می کنیم.^۲
درباره خدمتکار در دو صورت برزوح واجب می شود که برای زوجه خویش خدمتکار بگیرد
۱- اگر از خانواده با تجمل و اهل خدمتکار باشد بر مرد واجب است که برای همسرش خدمتکار تهیه نماید.
۲- اگر زوجه مرض یا نقصان داشته باشد که نتواند کار بکند و ماده ۱۱۰۷ ق. م. به این امر اشاره نموده است.
خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء.^۳
برزوح لازم نیست که کنیز را بخرد و زیادتر از یکی نیز واجب نیست هر چند در خانواده پدرش چند تا کنیز داشته ودر این مورد شوهرش منع زیاده از یک نوکر را می تواند بکند در ضمن نفقه ی خدمتکار برعهده زوج نیست.
چنانچه زوجه خدمتکاری داشته باشد که مرد به او راضی باشد که خوب و اشکالی در آن نیست اما اگر شوهر راضی به او نباشد می تواند او را بیرون کند و کسی دیگر را جای او به منزل آورد چنانچه زن بیان کند که اجرت کنیز را به من بده و من خودم خدمت خود را می کنم اجرت دادن برزوح لازم نیست.^۴

۵-۷. وسایل بهداشتی

آنچه زن برای زندگانی به آن محتاج باشد از اجزاء نفقه محسوب می شود از جمله چیزهاییکه زن در زندگی اش به آن نیازمند و محتاج است وسایل بهداشت و آرایش زن است.
وسایل بهداشت آن چیزی است که با آن کثافت را از بدن پاک کند چون شانه، روغن، صابون (سرمه و بوی خویش و اجرت حمام لازم نیست^۵) در یک صورت اجرت حمام لازم می شود آن هم زمانی که سرما باشد و حمام در منزل نباشد یا متعارف نباشد و یا غیر ممکن به طور کلی به هر جهتی دشوار باشد بر مرد لازم است.
بنابراین لوازم آرایش و بهداشت نیز جزء نفقه زوجه می باشد هر چند در این زمینه ماده ای به چشم نمی خورد.^۶

۱. مجمع المسائل، موسسه دارالقرآن کریم، قم، ۱۳۶۴، دوم، فقه اهل بیت، عصمت حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی (مدظله العالی)، ج ۲، ص ۱۸۳

۲. تحریر الوسیله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، همان، ص ۱۱۷

۳. حسن صفائی و اسدالله امامی، همان، صص ۴۳۶ و ۴۳۵

۱. جامع عباسی، همان، صص ۳۰۸ و ۳۰۷

۲. ترجمه شرایع السلام، همان، صص ۷۲۴ و ۷۲۳

۳. تحریر الوسیله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، همان، ص ۱۱۸-جامع عباسی، همان، صص ۳۰۸ و ۳۰۷

پس بنابر آنچه بیان شد می توان گفت که بوی خوش و سرمه جزء نفقه زن نیست و در زمان حاضر وسایل آرایش را شامل می شود که هر چند این ها جزء نفقه بشمار نیامده است اما با توجه به این که این ها نوعی زینت و از احتیاجات زن محسوب می شود به نظر می رسد که مرد بهتر است به تهیه آنها بپردازد .
همانگونه که حدیث از پیامبر (ص) بیان شده که می فرماید :
ان من خیر نسائکم الودود السیره العزیزه فی اهلها الذلیه مع بعلمها المتبرجه من زوجها الحصان عن غیره التی تسمع قوله و تطیع امره پیامبر خدا (ص) فرمود : بهترین زنان شما زنی است که بیشتر برای شوهرش آرایش و زینت می کند اما از بیگانگان خود را می پوشاند^۱ .

۸. نفقه زوجه مریض

از مباحث مهم که حائز اهمیت است و برهر کسی در زندگیش پیش می آید بیماری است راه درمان وهزینه هایی برای معالجه آن صرف می شود حال مخارج و مداوای زوجه مریض تا چه حدی برزوج واجب می شود .
برای تهیه داروهای متعارف که احتیاج به آن ها به علت بیماری و دردهایی است که کمتر کسی در طول سال به آن مبتلا نمی شود علی الظاهر دارو و مخارج سنگینی که احتیاج به مخارج بسیار سنگینی داشته احتیاج به هزینه های بالا دارد و اصولا افرادی به آنها مبتلا می شود مثل رگل - جزء نفقه واجب برشوهر نیست .
مخصوصا اگر معالجه همسر احتیاج به مخارج سنگین داشته باشد اجرت رگ زدن یا حجامت در صورت احتیاج محل تامل و اشکال است^۲ .

در زمینه بیماری و ابتلاء پرداخت نفقه آن دو حالت وجود دارد :

۱-بیماری های ساده مثل مالاریا و چشم درد و ... که هزینه و مداوای آنها از قبیل پول و دستمزد پزشک و هزینه بیمارستان و مسافرت به خارج، عمل جراحی و امثال آنها برعهده شوهر است و جزء نفقه ی زوجه محسوب می شود .

۲-درباره بیماری هایی که مداوای آنها نیاز به هزینه های سنگین و فراوان دارد .
باید توضیح داده شود که اگر زوج فقیر و زوجه غنی باشد با خود زوجه است .

اما اگر زوج غنی و زوجه فقیر باشد به عهده زوج است .

چرا که زوج در این زمینه برزوجه تقدم دارد از باب این که شریک زندگی او است و سرپرستی زوجه خویش را برعهده دارد چنانچه هر دو فقیر باشند با یکدیگر هزینه را تامین می کنند چرا که شرع حدی برای نفقه بیان نکرده بلکه عرف و عادت امثال او در آن زمان و مکان را بیان داشته است^۳ .

بیان شده که هزینه زایمان داخل در نفقه زوجه است که در سوال ذیل به آن اشاره شده است .

آیا هزینه زایمان داخل در نفقه زوجه است یا اولاد ؟ جواب : نفقه زوجه است^۴ .

پس از لحاظ کمیت و کیفیت پرداخت هزینه های دارو و درمان زوجه به عرف جامعه نگاه می کنیم و اینکه نوع بیماری زوجه چه می باشد اما با توجه به این که خرج و هزینه ای که مرد برای همسر خویش می نماید ثواب دارد به نظر می رسد که مرد بهتر است این لطف را در حق همسرش نماید همانگونه که در روایت زیر به آن اشاره شده است .

دینار انفقته فی سبیل الله و دینار انفقته فی رقبه و دینار تصدقت به علی مسکین و دینار انفقته علی اهلک اعظمها اجرا الدی انفقته علی اهلک .

۴.بحار الانوار ، کتابچی ، بیجا ، ۱۳۷۳ ، چهارم ؤ علامه مجلسی ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۳۵ ، ترجمه محقق (نقل به مفهوم)

۱. تحریر الوسیله ، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی ، همان ، ج ۴ ص ۱۱۶

۲. مغنیه، محمد جواد، فقه (تطبیقی) مذاهب پنج گانه ، رسالت ، تهران ، بی تا ، ترجمه کاظم پور جوادی ، صص ۲۸۸ و ۲۱۷

۱. امامی ، حسن،همان، صص ۴۳۶ و ۴۳۵

۲.مجمع المسائل ج ۲ ص ۱۸۲

یک دینار در راه خدا هزینه نموده ای یک دینار برای آزاد کردن برده ای و دیناری به بینوایی صدقه داده ای و دیناری هم برای خانواده ات هزینه کرده ای اینک پرشکوه ترین آنها در پاداش و ثواب آن دیناری است که برخانواده ات هزینه نموده ای^۱.

۹. نفقه سفر زوجه

این نکته مهم به نظر می رسد که باید بدانیم سفر زوجه از چه نوعی می باشد سفر واجب یا غیر واجب و آنگاه تکلیف مرد در دادن نفقه زوجه به چه صورت می باشد.

در حال اول چنانچه زن بدون اجازه شوهر به سفری رود که براو واجب نیست باید نماز را تمام بخواند و نفقه از مرد ساقط میشود بنابراین با مسافرت اگر همسرش نباشد حق هم خوابی و آمیزش از بین می رود و قضای آن برعهده شوهر نیست^۲.
حالت دوم: این که زوجه به خاطر انجام واجب شرعی مثل سفر حج مسافرت نماید باید نمازش را شکسته بخواند و نفقه زوجه برمرد ثابت است پس تکلیف مرد به پرداخت نفقه ی زوجه اش می باشد.

در صورتی که هم زوجه برای امور حیاتی مثل: مسافرت برای معالجه، سفر کند نفقه زوجه برعهده شوهر است^۳.
مخارج سفر زن اگر بیشتر از مخارج وطن باشد با شوهر نیست ولی اگر شوهر مایل باشد که زن را به سفر ببرد باید خرج او را بدهد^۴.

۱۰. جمع بندی و نتیجه گیری

محقق با مشاهده بسیاری از مشکلاتی که در اجتماع و خانواده ها برسر موضوع نفقه و اجرای مربوط به آن وجود دارد برآن شد تا در این زمینه اطلاعاتی کسب نماید که بسیار مثمر ثمر واقع شود امروزه بسیاری از موارد اختلاف بین خانواده ها مربوط به نفقه و اجزای آن می باشد.

آنچه در این تحقیق درباره نفقه از دیدگاه فقه و حقوق حاصل شده عبارت است از تامین هزینه های زندگی که شامل خانه اثاث خانه مسکن، طعام و خوراک دارو و درمان و خدمتکار در دو صورت (۱-مرض یا نقصان ۲- عادت زوجه) می باشد که از زمان عقد دائم و البته فاصله بین عقد تا ازدواج نفقه برمرد واجب نیست برعهده شوهر نمی باشد.

در واقع نفقه یک نوع وعده مالی است و حکم به نفقه یک حکم شرعی است درباره میزان و حدود آن ضابطه خاصی وجود ندارد بلکه به شئونات خانوادگی عرف و عادت ساکنان هر منطقه و وضع مالی مردم آن محل توجه می کنیم.

از شرایط وجوب نفقه ۱-عقد دائم ۲-تمکین می باشد که مراد از تمکین این است که زن در اطاعت شوهر وادای وظایف زوجیت حسن معاشرت و سکونت در منزل شوهر است نفقه در متعه صورت واجب نمی گیرد این که شرط شده باشد.

نفقه درباره زنی که مطلقه شده نیز تعلق می گیرد البته در طلاق رجعی در زمان عده واجب است اما در طلاق بائن فقط به شرط باردار بودن نفقه صورت می گیرد زنی هم که شوهرش وفات نموده به طور کلی بیان شده ه نفقه ندارد چه حامل باشد یا نه زوجین در برابر یکدیگر حقوق ووظایفی دارند که انجام ندادن و رعایت نکردن این حقوق باعث نشوز می شود.

زنی که در برابر شوهر اطاعت نمی کند ناشزه محسوب می شود و این امر خود موجب سقوط نفقه می گردد و چنانچه مردی از پرداخت نفقه به زوجه اش خودداری نماید به هر دلیلی می تواند برای مطالعه آن به دادگاه رفته و دادخواست نفقه خویش را نماید.

به نظر می رسد که خانواده ها که اصلی ترین رکن اجتماع و جامعه را تشکیل می دهند با آگاهی یافتن از موضوعات فقهی و حقوقی پیرامون زندگی از جمله نفقه می توانند به استحکام و بنیان خانواده کمک نمایند.

۳. نهج الفصاحه ص ۳۰۱

۴. رساله نوین، ص ۸۸ (دخل و تصرف)

۱. میرداماد، محقق، همان، ص ۲۹۳

۲. گلپایگانی، محمد رضا، رساله توضیح المسائل، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۸۶، ص ۴۱۰

و شاید بسیاری از مشکلات که امروزه در محیط دادگاه ها و دادرها مشاهده می کنیم که در مواردی هم باعث طلاق و از هم گسیختگی بنیان خانواده ها و صدمات اجتماعی به خانواده ها می شود نشأت گرفته از عدم آگاهی زوجین در قبال یکدیگر و دور ماندن از بسیاری ارزشهای اسلامی که در قالب قوانین فقهی و حقوقی بیان شده می باشد .

امروزه در اجتماع کنونی که هر روز فشر جوان جامعه را تهدید می کنند لازم است تا با برنامه ریزی و تحقیقات بیشتر جوانان و مخصوصا زوج های جوان را در این زمینه آگاه سازیم تا بتوانند زندگی توأم با سعادت و خوشبختی را داشته باشند .

این امر خطیر همت مسئولین جامعه و رسانه ها را می طلبد و امید است که جامعه ای به دوراز مشکلات خانوادگی و سعادت مند را در قالب خانواده های سالم و خوشبخت داشته باشیم.

ان شاءالله این کار زمینه ای شود برای تلاش هر چه بیشتر آیندگان تا تلاشها در این راه استمرار یابد زیرا هیچکس نمی تواند ادعا کند که آخرین سخن را در این بحث ها گفته است و چیزی برای گفتن باقی نمانده است.

منابع

۱. بحار الانوار ، کتابچی ، بیجا ، ۱۳۷۳ ، چهارم ؤ علامه مجلسی ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۳۵ ، ترجمه محقق (نقل به مفهوم)
۲. تحریر الوسیله ، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی ، همان ، ج ۴ ص ۱۱۶
۳. تحریر الوسیله ، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی همان ، صص ۱۱۶-۱۱۹
۴. تحریر الوسیله ، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی همان، ص ۱۱۶ و جامع عباسی ، صص ۳۰۸ و ۳۰۷ و همین مطلب در حقوق خانواده ج ۴ ص ۴۳۵
۵. تحریر الوسیله ، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، همان، ص ۱۱۷ و رساله نوین ، ج ۳ ، ص ۱۱۲
۶. تحریر الوسیله ، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، همان ، ص ۱۱۷
۷. تحریر الوسیله ، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، همان، ص ۱۱۸-جامع عباسی، همان، صص ۳۰۸ و ۳۰۷
۸. تحریر الوسیله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، همان، ص ۱۱۸ و همین مطلب در کتاب ترجمه شرایع السلام ص ۷۲۸
۹. ترجمه شرایع السلام ص ۷۲ و ۲۶ و ۲۵ جامع عباسی، صص ۳۰۸ و ۳۰۷ ، امامی، حسن، همان، ج ۴ ص ۴۳۵ میر داماد، همان، ص ۲۹۳
۱۰. صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله: «حقوق خانواده»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ چهارم، ۱۳۷۴.
۱۱. کاتوزیان، ناصر: «حقوق مدنی خانواده»، تهران، بهمن برنا، چ پنجم، ۱۳۷۸.
۱۲. گلپایگانی، محمد رضا، رساله توضیح المسائل ، دارالقرآن الکریم ، قم ، ۱۳۸۶ ، ص ۴۱۰
۱۳. مجمع المسائل، موسسه دارالقرآن کریم ، قم ، ۱۳۶۴، دوم ، فقه اهل بیت ، عصمت حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی (مدظله العالی)، ج ۲، ص ۱۸۳
۱۴. مغنیه، محمد جواد، فقه (تطبیقی) مذاهب پنج گانه ، رسالت ، تهران ، بی تا ، ترجمه کاظم پور جواد ، صص ۲۸۸ و ۲۱۷
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران: «تفسیر نمونه»، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۶.